خبر

اعلام فهرست کارگاه‌های آموزشی جشنواره تئاتر فجر

کارگاه‌های آموزشی چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با حضور و تدریس استادانی از چهار کشور در پلاتوی مجموعه تئاترشهر برگزار می‌شود.

این کارگاه‌های آموزشی با موضوعاتی چون گریم، کارگردانی، بازیگری با رویکردهای مختلف از پنجم بهمن تا دهم بهمن میزبان علاقه‌مندان خواهندبود. استادانی از ایرلند، صربستان، روسیه و الجزایر مدیریت و تدریس در این ورک‌شاپ‌ها را برعهده خواهندداشت. برنامه این کارگاه‌ها از این قرار است:

کارگاه (گریم تئاتر) به سرپرستی خانم کلر الکساندرا بامفرد از کشور ایرلند، ۷ و ۸ بهمن ساعت ۱۴ تا ۱۶

کارگاه (کارگردانی) به سرپرستی خانم ایوانا ووجیک کومیناک از کشور صربستان، ۵ تا ۷ بهمن ساعت ۱۰و۳۰ دقیقه تا ۱۳ و۳۰ دقیقه.

کارگاه (کارگردانی و بازیگری) به سرپرستی آقای یوسیف رایخلگاوز از کشور روسیه ۸ و ۹ بهمن ساعت ۱۰ و۳۰ دقیقه تا ۱۳ و۳۰ دقیقه.

کارگاه (بازیگری سیستم) به سرپرستی آقای شیخ عقباوی از کشور الجزایر ۱۰ بهمن ساعت ۱۰ و۳۰ دقیقه تا ۱۳ و۳۰ دقیقه.

دانشجویان هنر و علاقه‌مندان برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی ذکر شده، از امروز دوم بهمن می‌توانند به سایت چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، به نشانی: https://fitf.theater.ir/fa/form_data/add/form_id=247 مراجعه کنند.

روایت مسعود طیبی از اجرای نمایش «افلیا» در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر

وظیفه تئاتر، انسان‌سازی و راهبری در زمان بحران است

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

مسعود طیبی سال‌هاست که با تمرکز بر شخصیت‌های نمایشنامه‌های شکسپیر تلاش می‌کند بن‌مایه نهفته در این متون را در زندگی انسان‌های روزگار معاصرش به تصویر بکشد. او پس از اجرای نمایش‌های «هملت»، «هنگامه‌ای که هملت به دست جادوگران مکبث کشته شد»، «خون به پا می‌شود» و «سندروم هملت»، کانون توجه خود را بر افلیا قرار داد و نمایش «افلیا» را ابتدا در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران، پردیس تئاتر شهرزاد و جشنواره بین‌المللی تئاتر شکسپیر در ایروان اجرا کرد و این بار با آن به جشنواره فجر آمده است. نمایشی که در نگارش آن وامدار نگاه «یان کات» به آثار شکسپیر است و سعی کرد از دل این مونولوگ، یک اثر انتقادی مرتبط با شرایط روز را روی صحنه برد. شاید به همین دلیل هم باشد که افلیایی که در دو سال گذشته روی صحنه رفته است، با افلیایی که در جشنواره فجر به اجرا درآمده کاملا متفاوت است.

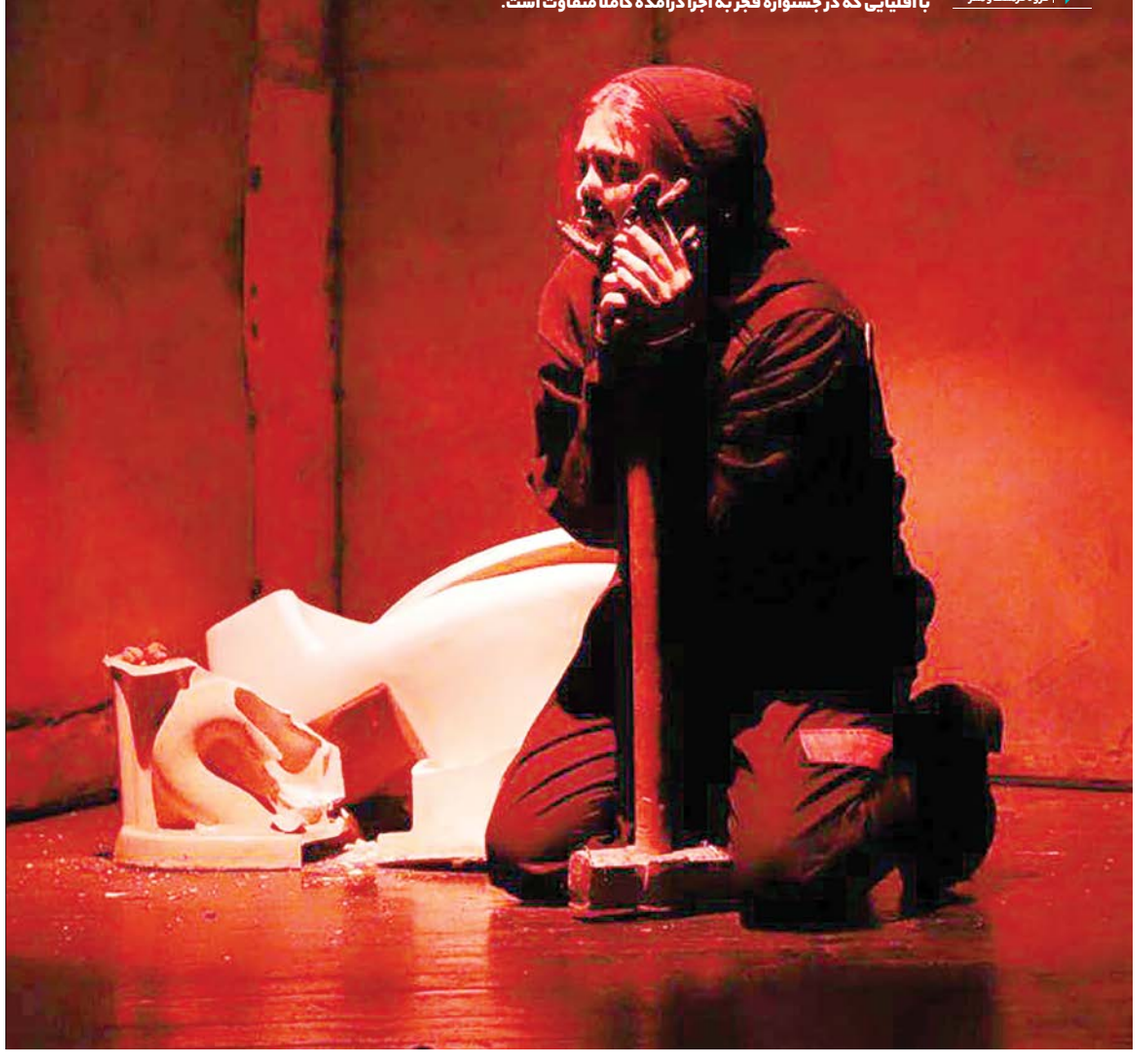

پنج نمایشنامه اقتباسی از شکسپیر از یکسو نشان از علاقه شما به این نویسنده و از دیگر سو نشان از تمایل شما به خلق وقایع دیگر از دل آثار او دارد. چرا علاقه‌مند به اقتباس از آثار شکسپیر هستید؟

به عقیده من شکسپیر خیلی دقیق تمام اتفاقات و مسائل اصلی بشر اعم از عشق، نفرت، جاه‌طلبی، خشم و دیگر احساسات را به تصویر کشیده است که می‌توان در بهترین حالت ممکن از آنها اقتباس کرد و همخوان با فضای امروز روی صحنه برد. در حقیقت هدفم از انجام چنین اقتباس‌های مدرنی از آثار شکسپیر یادآوری این نکته به مخاطبان است که نباید در گذشته توقف کرد، زیرا ما در جهانی زندگی می‌کنیم که همه شرایط با تحول و توسعه اطلاعات، دانش و ارتباطات در سطح جهانی متحول شده است، بنابراین خوانش مجدد از اندیشه‌ها و دستاوردهای هنری و فکری بازمانده از بزرگان ضرورت جدی دارد.

با این تفکر ایده تمرکز بر افلیا از نمایش هملت چگونه در ذهن شما خلق شد؟

موضوعی که در نمایشنامه هملت ذهن مرا مشغول می‌کرد و باعث خلق افلیا شد، این بود که ما همیشه خود را به جای شخصیت «هملت» قرار می‌دهیم و داستان را قضاوت می‌کنیم. حال اگر زاویه نگاه را تغییر دهیم و خود را جای شخص مقابل هملت یعنی افلیا بگذاریم چه می‌کنیم؟ این سوال که افلیا چه می‌کرده، کجا بوده و اصلا در قسمت‌هایی که ما در نمایشنامه او را نمی‌بینیم به چه کاری مشغول بوده، همیشه در ذهنم بود و حتی در نمایش «هنگامه‌ای که هملت به دست جادوگران مکبث کشته شد» در رابطه با این شخصیت نوشتم. ولی در این اثر بر زندگی خصوصی این کاراکتر متمرکز شدم.

افلیا در نمایش شما یک دختر امروزی و مدرن است که بی‌شک نگاه، روحیات، اخلاق و گستره فکری او با دختری در دوره زمانی و مکانی هملت متفاوت است، چرا افلیا را به همان دوره زمانی نبردید؟

این اثر بر اساس نظرات و نگاهی که به آثار «یان کات» منتقد ادبی دارم شکل گرفت و نگاه مدرن و متفاوت یان کات برای روی صحنه بردن «افلیا» بسیار تاثیرگذار بود. از نظر یان کات اگر در دنیای امروز کسی آثار شکسپیر را به همان صورتی که هستند اجرا کند احتمالا یا از تئاتر چیز زیادی نمی‌داند یا هوش اجتماعی بالایی ندارد. از نظر این منتقد ادبی، دنیای امروز پر از هملت‌ها و افلیاهایی است که خیلی منفعل و بلاتکلیف هستند و زیر هجوم وحشتناک فشارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... وامانده و وازده‌اند. نمی‌دانند از آینده چه می‌خواهند و هدف از زیستن چیست و شاید واکنش‌های غیرمنطقی نسبت به اتفاق‌های پیرامون خود ارائه دهند. به عبارتی نمایش «افلیا» یک کار انتقادی برگرفته از شرایط روز محسوب می‌شود.

متد اجرایی نمایش «افلیا» که در جشنواره فجر اجرا کردید، نسبت به گذشته خیلی متفاوت شده و به نظر فقط یک خط سیر داستان از آن افلیا باقی مانده است. کمی در مورد این نمایش و تفاوت آن با اجرای قبلی‌اش بگویید.

افلیا داستان دختری است که معشوقه خود هملت را می‌کشد و دچار بیماری سایکوسوماتیک یا روان‌تنی می‌شود. خط اصلی داستان همین است اما در جشنواره فجر به طور کلی مسیر داستان و حتی متد اجرا تفاوت پیدا کرد. ما حتی دکورمان نیز نسبت به نمایش قبلی فرق کرده است. در این نمایش، قصه درباره دختری است که با یک پتک، کل زندگی خود را خراب می‌کند و آنقدر این تخریب را ادامه می‌دهد که جز خودش باقی نمی‌ماند و خود را هم می‌کشد. دغدغه نمایش افلیا پرداختن به فشارهایی است که زن‌ها در جامعه در گستره‌های مختلفی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... به ویژه در بحث عدالت‌خواهی و برابری حقوق تحمل می‌کنند. افلیا این دغدغه‌ها را در لابه‌لای داستان بریده بریده بیان می‌کند. نکته مهم‌تر آن که افلیا در نمایش‌های قبلی در وضعیت مظلومانه‌ای به سر می‌برد، اما افلیا در اینجا یک جنگجوست که برای خواسته خودش مبارزه می‌کند. کل مسیر زندگی گذشته‌اش را تخریب کرده و می‌خواهد چیز جدیدی بسازد. به نظرم این خط سیر، هم جذابیت بصری و هم جذابیت مفهومی برای تماشاگر ایجاد کرد.

مشکل ما این است که تئاتر از دهه ۹۰-۸۰ از یک کالای کنشگر به یک کالای لوکس و لاکچری تبدیل شد

اما نتیجه هر دو در نمایش شما یکی است؛ کشته شدن افلیا.

خیلی متفاوت است که در ذلت کشته شوی یا در اوج قدرت. به نظرم خیلی تفاوت دارند.

اوضاع امروز جامعه چقدر در تغییر روایت قصه تاثیرگذار بود؟

واقعیت هیچ تاثیری نداشت. من این اثر را قبل از این اتفاقات تولید کرده بودم. اما چون این اثر فرازمانی و فرامکانی است، فکر می‌کنم با توجه به همین موضوع نه‌تنها در ایران بلکه در خیلی جاهای دیگر می‌تواند اجرا شود. به همین خاطر هم توانستم این نمایش را در جاهای دیگر هم روی صحنه ببرم. فکر می‌کنم دغدغه‌های اصلی انسان مثل عشق، آزادی، برابری، حق‌خواهی، عدالت‌خواهی و ... از ابتدای خلقت بوده و انسان تا لحظه‌ای که زنده است، برای آنها می‌جنگد و فکر می‌کنم یک موضوع طبیعی است.

شما نمایشی را روی صحنه بردید که به نظرم با موضوعات روز ایران سنخیت دارد و به همان وظیفه‌ای عمل کردید که از یک هنرمند تئاتری انتظار می‌رود. به عقیده شما چرا برخی هنرمندان فراموش می‌کنند که وظیفه ذاتی هنرمند، فرهنگ‌سازی است و در بحران‌ها سعی می‌کنند به جای تلاش مضاعف، از وظیفه ذاتی خود شانه خالی کنند؟

ما هر حرفی برای جامعه‌مان بخواهیم بزنیم چه موافق باشیم و چه مخالف، وظیفه هنر گفت‌گو و تولید اندیشه است. ما در تمام دنیا آدم‌هایی را می‌بینیم مثل آگوستو بوآل، برشت، یورجینیو باربا و ... که تمام اعتراضات و حرف‌های مدنی‌شان را می‌زنند. شما هنرمندان را نمی‌بینید که در تمام جهان، یک گوشه بنشینند و حرفی نزنند. مشکل ما از اینجاست که تئاتر از دهه ۹۰-۸۰ از یک کالای کنشگر به یک کالای لوکس و لاکچری تبدیل شد. با این روند خیلی هنرمندان و کارگردانان کنشگر ما خانه‌نشین شدند، برخی خودشان را به پول فروختند یا فرار کردند. در نتیجه همین تغییر، تئاتر تهی از اندیشه شد.

باید توجه داشت که پایه‌های تئاتر از دیالکتیک می‌آید؛ یعنی تز، آنتی‌تز و سنتز. من یک کلام می‌گویم، شما یک کلام می‌گویید و برآیند آن یک نتیجه می‌شود. پس فرارکردن، خانه‌نشستن و کارنکردن شنیع‌ترین خیانتی است که به جامعه خودمان می‌توانیم بکنیم. ما هر حرفی داریم چه موافقیم و چه مخالف، باید آنقدر آستانه تحمل‌مان بالا باشد که بتوانیم گفتمان کنیم. الان ما با وضعیتی روبه‌روییم که اگر کسی کار کند نابودش می‌کنند و اگر کسی کار نکند هم نابودش می‌کنند. یعنی ما از حداقل گفتمان در فضایی که برای گفتمان است، یعنی از تئاتری که سازمان جهانی یونسکو آن را یک عامل تاثیرگذار در پیشرفت فرهنگ در هر جامعه می‌داند، بی‌بهره‌ایم. یعنی ما به عنوان هنرمند نمی‌توانیم با هم گفت‌وگو کنیم، بلکه دعوا می‌کنیم. به همدیگر دستور می‌دهیم که اجرا برویم یا اجرا نرویم. اگر ما به اصل آزادی و دموکراسی اعتقاد داریم باید به همدیگر اجازه دهیم هرچیزی که در ذهن‌مان است انجام دهیم، بدون این که به هم فشار بیاوریم. اگر کسی اعتقاد دارد اجرا برود اجازه دهیم و اگر کسی دوست ندارد آزاد باشد، اجرا نرود. نه کسی که اجرا می‌رود خیلی آدم خوبی یا بدی است و نه آن که اجرا نمی‌رود آدم خوبی یا بدی است. یک انتخاب است و ما باید حق داشته باشیم انتخاب کنیم. پس ما به عنوان هنرمند حق نداریم به همدیگر فشار بیاوریم اجرا برود یا نرود. جشنواره فجر برود یا نرود. من به واسطه از کسی شنیدم کارگردانی گفته اگر دوستان اجرا بروند آدم می‌فرستیم اجرا را خراب کند. صحت و سقم این حرف را نمی‌دانم اما این حرکت ضدفرهنگی است. این یک حرکت ترسناک است.

ما با این تفکر با ارکانی که با فرهنگ خیلی ارتباطی ندارند چه فرقی داریم؟ تئاتر کی قرار است بینش جامعه را تغییر دهد. وقتی همه چیز خوب است که مشکلی نیست؛ در بحران تئاتر وظیفه انسان‌سازی و راهبری دارد. در هر شرایطی تئاتر باید به بقای خودش ادامه دهد. برشت در وسط جنگ اجرا می‌رفت. مگر در رکود اقتصادی که آمریکا در حال متلاشی‌شدن بود، مرگ فروشنده، باغ‌وحش شیشه‌ای و ... تولید نشد؟ اینها محصول آن وضعیت اقتصادی آمریکا بودند و جاودانه شدند. اگر قرار بود این کارگردانان کار نکنند چه اتفاقی می‌افتاد، بی‌شک هیچ اتفاقی نمی‌افتاد چون نمی‌توانستیم بفهمیم چه بحران‌هایی را یک جامعه پشت سرگذاشته است. پس ما باید کار کنیم اما معتقد هم هستم تمام دوستانی که کار نمی‌کنند مثل چشمان من عزیزند و حق دارند مثل دوستانی که اجرا می‌روند هیچ تفاوتی ندارند. شما می‌گویید تئاتر را سانسور می‌کنند.

یک کلمه که می‌توانم حرف بزنم آیا آن را هم از خودم دریغ کنم؟ بروم در خانه بنشینم که چه شود، افسرده شوم و دست به خودکشی بزنم، چه کمکی می‌کند. الان ۱۰،۲۰ دانشجوی من روی صحنه آمدند و در این یک سال دانشجوی زیادی را در بهترین سالن‌ها روی صحنه بردم، این خدمت نیست. آیا وظیفه من از این بیشتر است.

هرکسی به اندازه وسع خودش برای تغییر جامعه‌اش کار می‌کند. این کار را هم نکنم دانشجویان من چه کار باید بکنند؟ من باید به آنها کمک کنم. این وظیفه من برای تغییر در جامعه است.

نقد

نقدی بر نمایش «طلقه الرحمه» به کارگردانی محمد موید از عراق

مواجهه‌ای غریب با یک پرفورمنس

رضا آشفته
منتقد تئاتر

پیش از اجرای نمایش «طلقه‌الرحمه» در چهل و یکمین جشنواره تئاتر فجر، حس می‌شد عراق و به‌ویژه بخش عربی آن تئاتری نداشته باشد و به همین دلیل اجرای یک پرفورمنس مدرن از عراق در تئاترشهر بعید بود و این پیشداوری مانع نشستن و دنبال کردن این اجرا نمی‌شد، چون موسیقی الکترونیک برای ۱۰دقیقه اول با جاذبه شنیداری بسیار، تو را پای کار می‌نشاند و حرکات بدنی اجراگران تو را میخکوب می‌کرد، که با یک پرفورمنس از عراق مواجه شده‌ای.

مواجهه‌ای غریب که تو را ذره‌ذره در خود حل می‌کرد و این‌گونه نمایش در مدار عناصر اجرایی تو را به عنوان مخاطب درگیر خود می‌کرد.

شاید برای ۱۰دقیقه اول موسیقی جذاب بود اما نداشتن فرازونشیب، آن را یکنواخت و تا حدی خسته‌کننده و خواب‌آور می‌کرد و این خود یک نقطه‌ضعف بارز برای این اجرا بود. درحالی که موسیقی، اثر برجسته‌ای برای شکل گرفتن این پرفورمنس بود و می‌توانست حرکات موزون و ضدموزون آن را در فضای قابل پذیرشی سمت و سو دهد.

اجراگران نیز با بدن‌های آماده و ورزشکاری همچون پارکوربازان در صحنه جست‌وخیز می‌کردند و چشم‌نواز بودند؛ اما به دلایل هنری نمی‌توانستند تصاویر چشمگیری بیافرینند یعنی بیشتر درگیر ارائه حرکت بودند تا این‌که بخواهند در پیوست حرکات ریز و درشت، معنا و هدفی ژرف را پیگیری کنند و این سدی بود برای درک بهتر این موقعیت نمایشی که می‌خواست گوشه‌ای از درگیری‌ها، هول و هراس‌ها و طغیان‌های مردمی را نسبت به یک وضعیت دیکتاتور زده و نسبتا جنگی نمایان کند؛ بنابراین نمایش در ظاهر بسیار موفق اما در باطن با کم و کاستی‌هایی همراه می‌شد و این به درک یک پرفورمنس معناگرا برمی‌گردد که همچون هنر مفهومی به دنبال افزایش معنا در هر لحظه‌ای است و حرکات، موسیقی، نورها و اجراگران باید در چنین مداری به دنبال یک برآیند لبریز از معنا باشند و این معنا در ارائه تصاویر بهم پیوست شده و ایجاد فضای پر از جنگ و درگیری نمایان می‌شد. شاید کارگردان از ارائه حرکات و توان بسیار بالا و انرژیک جوانان کارش در مقام اجراگر به دنبال جذابیت‌های ظاهری برآمده و همین نقطه انحرافی برای یک مسیر ژرف و پر از معناست که نیازمند حوصله و درک زیبایی است.

به هر تقدیر، عراق در این چهل و چند سال اخیر مدام درگیر فضای استبدادی، جنگ و حضور بیگانگان بوده و هنوز به معنای حقیقی فضای دموکراتیک را برای درک رفاه و آزادی و ارائه فرهنگ به دست نیاورده است؛ اما محمد موید به عنوان کارگردان در این نابسامانی دارد امیدبخش می‌شود، چون در تقابل با کاستی‌های کلان اجتماعی و سیاسی فرهنگ‌سازی می‌کند و با ایجاد یک گروه جوان و استقرار آنان در یک فضای نمایشی به دنبال ارائه تجربه‌هایی است که هریک به‌گونه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز مواجهه بهتری با مخاطبان خود باشد و پرفورمنس طلقه‌الرحمه به جنگ این نداشته‌ها رفته و با انرژی بالای خود می‌تواند آینده بخش باشد.

جشنواره

نمایشی درباره یکی از شهدای فوتبال

نویسنده و کارگردان تئاتر خیابانی «چرخیدن» گفت: این نمایش درباره چند توپ فوتبال است. قصه آن با هیجانات فوتبالی شروع می‌شود و در ادامه علاقه‌مندی‌های مردم کشورهای مختلف به فوتبال شرح داده می‌شود. پس از آن هم جریانات هیجانی فوتبال نقد می‌شود و در نهایت به یکی از شهدای فوتبال که کاپیتان تیم است، می‌پردازیم. آرش رضایی افزود: فوتبال پرطرفدارترین ورزش دنیاست و علاقه‌مندان زیادی دارد. اخیرا صحبت‌هایی در مورد برخی فوتبالیست‌ها مطرح شد، من خواستم این را نشان دهم که در هر قشری و بین مردم هر جامعه‌ای مردان بزرگی را داشتیم که به شهادت رسیدند و برای آبادانی کشورمان تلاش کردند. وی در خصوص فضای اجرای این نمایش نیز گفت: به‌منظور ارتباط‌گیری با مخاطب، این نمایش‌ها باید در جای مناسب اجرا شود، اگر اجرا در مرکز شهر باشد خیلی بهتر است چون جایی که مردم حضور دارند، فضای مناسبی است. با توجه به این‌که تئاتر خیابانی اثرگذار است، جمعیت بیشتر تماشاگران باعث می‌شود شما اثرگذاری بیشتری داشته باشید.

روی صحنه

«قضات» در بوتیک تئاتر ایران

نمایش «قضات» به طراحی، نویسندگی و کارگردانی سجاد حسین‌پور و تهیه‌کنندگی سامان شمس از ۵ بهمن در بوتیک تئاتر ایران روی صحنه خواهدرفت.

قضات، نمایشی جدید از سجاد حسین‌پور پس از اجرای نمایش «اعترافات ذهنی محبوس در فضایی دو در یک» است که با ایده‌ای جدید و محیطی اجرا می‌شود. در این نمایش، مخاطب در جریان اجرا قرار دارد و با قدم زدن نمایش را دنبال می‌کند.

اجرای قضات محدودیت سنی دارد و به دلیل فضای دلهره‌آور نمایش و تعامل مخاطب در اجرا، رده سنی ۱۵ سال به بالا به عنوان مخاطبان نمایش در نظر گرفته شده‌است.

در خلاصه داستان این نمایش آمده‌است: «دادسرایی دچار آتش‌سوزی می‌شود و مخاطب همراه با بازپرس در این مکان به پرونده‌های باقی مانده در بایگانی رسیدگی می‌کنند.»

طراح، نویسنده و کارگردان قضات سجاد حسین‌پور است و سامان شمس تهیه‌کننده و امیر عباسی مجری طرح آن هستند.

نمایش قضات از ۵ بهمن هر شب ساعت ۱۹ در بوتیک تئاتر ایران (سالن شماره ۴ شهرزاد) به نشانی خیابان نوفل لوشاتو پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه خواهدرفت.

قاب فجر

یک فنجان قهوه برای عشق

«یک فنجان قهوه برای عشق» اثر جهانگیر چالاکی از نمایش‌های خیابانی روز اول جشنواره تئاتر فجر بود که گوشه‌ای از زندگی زنی در پارک را روایت می‌کند که به دنبال همسرش می‌گردد.

او در این جست‌وجو با مردی معتاد مواجه می‌شود و داستان از اینجا شروع می‌شود...

اجرای مجدد این نمایش را علاقه‌مندان می‌توانند امروز ساعت ۱۵ در پهنه رودکی ببینند.